

بازنمایی جنسیت در انیمیشن‌های ایرانی (مطالعه موردی انیمیشن‌های مهارت‌های زندگی برای کودکان و بچه‌های ساختمان گل‌ها)

سمانه فروغی^{۱*}، یاسر فروغی^۲

چکیده

آنچه در مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای اهمیت زیادی دارد شیوه بازنمایی نقش‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها، گروه‌ها، اقوام، جنسیت و غیره است. حال هنگامی که پای مخاطب کودک به میان می‌آید، اهمیت این آموزش‌ها دوچندان می‌شود، زیرا کودکان با تماشای ژانر محبوبشان- انیمیشن- آموزش‌های مقدماتی در رابطه با نقش‌ها، کلیشه‌ها و هویت جنسیتی را می‌آموزند. هدف این مقاله مقایسه انیمیشن‌های مهارت‌های زندگی برای کودکان و بچه‌های ساختمان گل‌ها از منظر جنسیت است. مقاله پیش رو با تکیه بر تحلیل کیفی و رویکرد نشانه‌شناختی براساس آرای جان فیسک به واکاوی و بررسی کلیشه‌های جنسیتی رایج در دو مجموعه ذکر شده می‌پردازد. بدین منظور، همه قسمت‌های دو انیمیشن مطالعه شدند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در هر دو برنامه از لحاظ تعداد کاراکترها زنان و مردان به میزان تقریباً برابر بازنمایی شده‌اند. در مجموعه مهارت‌های زندگی برای کودکان مردان اغلب با صفات برتر و شایسته‌تری مانند قدرت تفکر و تصمیم‌گیری بالا، دانایی و کاردانی، اعتمادبه‌نفس بالا، ارتباطات اجتماعی گسترده، خوشرویی و خوش‌صحبتی بازنمایی شده‌اند. در حالی که بازنمایی زنان اغلب با بدنمایی و توأم با کلیشه‌های جنسیتی سنتی مانند غرغر کردن، شایعه‌پراکنی، وابستگی و عدم استقلال شخصی، غیبت کردن، عدم کنترل خشم و پرخاشگری، گریه کردن در هنگام مشکلات و دستپاچگی است. در مقابل، انیمیشن بچه‌های ساختمان گل‌ها نگاهی مثبت‌تر و مساوات‌طلبانه‌تری به جنسیت دارد. مردان در این مجموعه با صفاتی چون خانواده‌دوستی، قدرت‌دانی، مبادی آداب و اجتماعی بودن، پرتلاش و حمایت‌گر بودن به تصویر کشیده شده‌اند و در بازنمایی زنان صفات بارزی چون زیبایی و آراستگی، آینده‌نگری، توجه به جزئیات، تجهیز به مهارت‌های متعدد، تسلط بر خود و منطقی بودن، باانگیزه و مستعد مشهود است.

کلیدواژگان

انیمیشن، بازنمایی، جنسیت، بچه‌های ساختمان گل‌ها، مهارت‌های زندگی برای کودکان، نشانه‌شناسی.

Smn.foroughi@yahoo.com
Yaser.foroughi@gmail.com

۱. کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان
۲. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه خوارزمی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۷

مقدمه و بیان مسئله

نقش‌های جنسیتی شامل رفتار و نگرش‌هایی است که برای زنان و مردان در فرهنگی خاص مناسب قلمداد می‌شود و در جریان اجتماعی شدن از همان سال‌های ابتدای کودکی آموخته می‌شوند. اغلب اطلاعاتی درباره ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علایق، صفات روانی، اجتماعی و نوع شغل است [۷، ص ۱۱]. جنسیت مشخصه‌ای زیستی نیست، بلکه روندی است که جامعه در جهت تربیت تعریف و القا می‌کند. نقش جنسیتی برساختی است که مختصات زنانگی و مردانگی را برای کودکان از همان ابتدا مشخص می‌کند. بنابراین، یکی از جنبه‌های مهم اجتماعی شدن کودکان پذیرفتن نقش‌های جنسیتی از جانب آن‌هاست.

به‌طور کلی، کلیشه‌ها یا تصورات قالب جنسیتی، اعتقادات و باورهای فرهنگی جامعه را درباره آنچه باید نقش‌های جنسیتی باشند بازتاب می‌کنند. کودکان در کنش متقابل با محیط‌های اجتماعی درکی از نقش‌های جنسیتی خود کسب می‌کنند. این درک بخشی مهم از ادراک فرد به خود را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، شناخت و آگاهی کودکان از انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی جامعه به جنسیت از سن پایین شروع می‌شود و به تدریج استانداردها و انتظارات را درباره خودشان نیز به‌کار می‌گیرند [۲۱]. در تئوری «مدل (یا طرح‌واره) جنسیتی» تأکید بر آن است که بسیاری از ویژگی‌هایی که به زنان یا مردان نسبت داده می‌شود ریشه زیست‌شناختی ندارند و اکتسابی‌اند. مطابق با این تئوری کودکان حس و درکی از مردانگی (مرد بودن) و زنانگی (زن بودن) درون خود ایجاد می‌کنند که بر مجموعه‌ای از کلیشه‌های سنتی و تفکرات قالب درباره نقش‌های جنسیتی مبتنی است و زندگی آینده، اندیشه و رفتار خودشان را نیز بر همین اساس تنظیم و هدایت می‌کنند [۱۹]. این فرایند معنا و موجودیت پسر را از دختر متمایز می‌کند و کودکان مطابق با تجربه زیست‌شده تعاریف و معنای متفاوتی از زنانگی و مردانگی به‌دست می‌آورند. آنچه در این بین اهمیت دارد این است که این فرایند (یادگیری نقش‌های جنسیتی) تاریخ مصرف مشخصی ندارد و در سن مشخصی خاتمه نمی‌یابد، بلکه فرایندی دائمی است که در طول حیات فرد جریان دارد.

در این میان، عوامل مختلفی همچون خانواده، مدرسه، بازی‌ها، قصه‌ها و رسانه در تثبیت و انتقال نقش‌های منتسب به جنسیت ایفای نقش می‌کنند. رسانه قدرتمند و پرنفوذی چون انیمیشن نقشی انکارناپذیر در برساخت و درک کودک از جنسیت و نقش‌های وابسته به آن دارد، زیرا انیمیشن برای کودک به‌مثابه ابزاری کارآمد برای جامعه‌پذیری و آموزش تلقی می‌شود و از سوی دیگر نزدیکی و مشابهت کاراکترهای ترسیم‌شده در انیمیشن‌ها به کودک و شرایط عینی زندگی او سبب همذات‌پنداری گسترده‌تر میان او و شخصیت‌های انیمیشنی می‌شود و به‌سهولت نقش‌های جنسیتی مورد پذیرش و تقلید از جانب کودک قرار می‌گیرد. از مقوله‌های هویتی که کودکان در انیمیشن‌ها با آن مواجه‌اند مباحثی مرتبط با جنس، جنسیت،

شکل ظاهری، اعمال و رفتارهای متناسب به آن است. انیمیشن‌ها برای کودکان ترسیم می‌کنند که متناسب با جنسیتشان شکل ظاهری‌شان چگونه باشد، چه صفات و رفتاری را از خود بروز دهند، در شرایط مختلف و در برخورد با اطرافیان‌شان چه کنش‌هایی را به‌کار گیرند و موارد بسیار دیگری که به کودکان در جهت تربیت جنسیتی آموزش داده می‌شود. بنابراین، بازنمایی رسانه‌ای بر روند جامعه‌پذیری جنسیتی کودکان تأثیری عمیق و پایدار دارد و موجب بازتولید و تحکیم کلیشه‌های جنسیتی رایج می‌شود.

در سال‌های اخیر، بهبود وضعیت انیمیشن‌های ایرانی در ابعاد محتوا و تکنولوژی سبب جذب مخاطبان گسترده در این ژانر رسانه‌ای شده است. انیمیشن‌های ایرانی، به‌منزله رسانه‌ای که افراد از سنین پایین با آن در تعامل است، نقشی بسیار مهم در شکل‌گیری تصور و هویت جنسیتی کودکان دارند. این امر که زنان و مردان در انیمیشن‌های بومی با چه کلیشه‌ها و ویژگی‌های جنسیتی به تصویر کشیده می‌شوند و گستره نقش‌های جنسیتی که به آنان واگذار می‌شود چیست، در شکل‌گیری تصورات جنسیتی کودکان از خودشان بسیار مؤثر است.

در میان انیمیشن‌های ایرانی دو مجموعه پربیننده مهارت‌های زندگی برای کودکان و بچه‌های ساختمان گل‌ها را برای رمزگشایی از هویت‌های جنسیتی و کشف لایه‌های پنهان این موضوع برگزیده‌ایم. آنچه در رأس اهداف این پژوهش می‌گنجد پاسخ‌گویی به این سؤال است که نقش‌های جنسیتی محول‌شده به کودکان و بزرگسالان در انیمیشن‌های ایرانی بچه‌های ساختمان گل‌ها و مهارت‌های زندگی برای کودکان چیست؟ جنسیت و هویت جنسی در هر دو انیمیشن ایرانی همسان و مشابه بازنمایی شده است یا هر یک از این انیمیشن‌ها بازنمایی متفاوت و ویژه‌ای از جنسیت را ارائه می‌دهند؟ در صورت تفاوت در نوع بازنمایی چه مؤلفه‌های متمایزی را می‌توان برای این مجموعه‌ها در نظر گرفت؟

مبانی نظری

نشانه‌شناسی

برای فهم و خوانش نحوهٔ بساخت پیام‌های رسانه‌ای ابتدا باید رمزاها و پیام‌های موجود در آن را واکاوی کنیم. به عبارتی، رمز یا رمزگان همان معنا و پیام یک متن است [۲۰، ص ۳۴]. رمز، بنا به تعریف، عبارت است از نظامی از نشانه‌ها که برای افادهٔ معنا به‌کار می‌رود [۲، ص ۲۸]. رمزاها مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که پیامی را از ارسال‌کنندهٔ پیام به دریافت‌کنندهٔ آن انتقال می‌دهند. از این‌رو، هر نشانه‌ای متضمن رمزی ویژه است.

رمزاها، سیستم‌ها یا شبکه‌های سازمانی برای عناصری تکراری هستند که در شاکلهٔ هر چیزی که انسان می‌سازد، همچون نشانه‌ها، آیین‌ها، نمایش‌ها مورد بازنمایی قرار می‌گیرد [۶،

ص ۱۷۸]. بنابراین رمزگذاری خصلت هرگونه رفتار انسانی است که اعضای هر فرهنگ آن را شکل می‌دهند و در آن با یکدیگر سهیم می‌شوند. در واقع، فرهنگ وجه مشترک آگاهی ما و دیگران است. به همین دلیل است که سوسور می‌گوید برای شناسایی رموزها باید قراردادهای دال و مدلول و همچنین زمینه‌های فرهنگی آن متن یا جامعه را خوب بدانیم [۳، ص ۳۸]. به تعبیری دیگر، قرائت یک متن متضمن کشف و مرتبط کردن آن با مجموعه‌ای از رمزگان‌های به کار گرفته شده در آن است. رموزها نشانه‌ها را به نظام‌های معنادار بدل می‌کنند. معنا محصول رابطه بین نشانه‌ها و رمزگذاری پیام است [۱۶، ص ۲۲]. نشانه‌شناسی ارتباط را به مثابه تولید معنا در پیام می‌داند؛ حال چه رمزگذار آن را تولید کرده باشد چه رمزگشا. رموزها روابط میان مفاهیم و نشانه‌ها را تثبیت [۱۰، ص ۴۳] و همچنین معنا را در زبان و فرهنگ‌های مختلف تثبیت می‌کنند و در مقابل مشخص می‌کنند چه رمزهایی به کدام مفاهیم ارجاع دارند.

نشانه‌شناسان فرایند «خلق» و «تفسیر» متن را به ترتیب رمزگذاری و رمزگشایی می‌نامند [۴، ص ۱۵۱]. رمزگذاری مهم‌ترین فرایند تولید پیام است که در نهایت به رمزگشایی منجر می‌شود. اما رمزگشایی نه تنها مستلزم شناخت و درک زمینه‌ها و ابعاد مختلف یک متن است، بلکه تفسیر، ارزیابی و قضاوت در مورد آن را نیز شامل می‌شود. گرچه رمزگذاری و رمزگشایی فرایند مجزایی هستند، کاملاً دلبخواهانه نیستند. «رمزگذاری» در مرحله تولید درون یک مجموعه رموزهای حرفه‌ای از قبیل مهارت فنی و ارزش‌های تولیدی عمل می‌کند. رموزهای حرفه‌ای مولد معانی مرجح با ارزش سیاسی، ایدئولوژیک و نهادی اثرگذارند و خودشان نیز نهادینه (ساخت یافته) هستند. حال ادعا می‌کند اگرچه معانی مرجح اهمیت و ارزش فراوانی در تعیین چگونگی معانی رمزگشایی شده دارند، آن معانی مرجح کاملاً تعیین‌کننده و قطعی نیستند [۱۱، ص ۶۱]. به زعم حال، نهادهای رسانه‌ای حتی ناآگاهانه و غیر عامدانه و به‌طور ناخواسته با نیروهای هژمونیک هم‌دست می‌شوند، زیرا هژمونی کارکرد رویه‌ها و ساختار اجتماعی موجود است و نه قصد و نیت فردی.

در این پژوهش، رمزگان‌های مختلفی استخراج و بررسی شده‌اند؛ رمزگان‌هایی که سبب تحکیم متن شده‌اند و در شبکه‌ای گسترده از معنا، که به وجود آورنده فرهنگ ما هستند، با یکدیگر پیوند یافته‌اند. انیمیشن فقط شامل یک تصویر نمی‌شود، بلکه نماهای مختلف، نوشتارها و صداگذاری روی کاراکترها و موسیقی متن را نیز دربر می‌گیرد. همه نماها در نهایت متن یکپارچه‌ای را می‌سازند. بنابراین، در اینجا واحد تحلیل و مشاهده بر هم منطبق‌اند و شامل هریک از انیمیشن‌ها می‌شوند، اما در عین حال واحد مشاهده خردتری نیز وجود دارد که شامل هریک از نماهای انیمیشن نیز خواهد بود. برای فهم بهتر و اسلوب روشی کار، چارچوب کلی رمزگان‌های مطالعه شده را عنوان می‌کنیم و توضیحاتی را درباره آن‌ها ارائه می‌دهیم:

۱. واقعیت (رمز فنی): این رمزها کمتر اجتماعی‌اند و بیشتر به قدرت خلاقیت سازنده فیلم بستگی دارد. این رمزها بیشتر خصلتی زیبایی‌شناختی دارند. دوربین، نورپردازی، تدوین، موسیقی و صدابرداری که رمزهای متعارف بازنمایی را انتقال می‌دهند [۱۷، ص ۲۱]. این دست رمزها بیشتر در این سطح‌اند، جنبه توصیفی دارند و این رمزگان‌ها به بازنمایی عناصر دیگر از قبیل: روایت، شخصیت، گفت‌وگو، زمان، مکان و... می‌پردازند.
۲. رمزگان اجتماعی (بازنمایی): جان فیسک در مقاله «کدهای تلویزیون» دیالوگ‌ها، لباس، ژست‌ها، آرایش و پوشش را رمزگان اجتماعی در نظر می‌گیرد و در ادامه می‌افزاید که همه این رمزها برگرفته از فرهنگ هر جامعه است [۵، ص ۲۲۴]. از آنجا که جامعه نظامی از روابط اجتماعی است و حضور انسان‌ها در این نظام همواره و پیشاپیش با میثاق‌ها، آیین‌ها، هویت‌ها، آداب و رسوم، مدها، بازی‌های گروهی و... همراه است، فرایندهای روابط اجتماعی در تاریخ و ناخودآگاه جمعی ریشه دارد. رمزهای اجتماعی دلالت‌های ضمنی نیرومندی دارند [۹، ص ۱۲۶]. به‌طور کلی، رمزگان اجتماعی خود به چندین زیررمزگان تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند:
 - الف) زبان کلامی (نحوی، واژه‌ای، فرازبانی)؛
 - ب) رمزهای اندامی (برخورد جسمی، ظاهر، حالات چهره، حالات بدن، حرکات سر، اشارات...)
 - ج) رمزهای کالامحور (مد، لباس، فناوری)؛
 - د) رمزهای رفتاری (مراسم، بازی‌ها، تشریفات، ایفای نقش) [۴، ص ۱۳۶].
۳. رمزگان ایدئولوژیک: این رمزها دو رمز اول و دوم (فنی و اجتماعی) را به گونه‌ای سازمان می‌بخشند که از درون آن‌ها معانی سازگار و منسجم به‌وجود آید. رمزهای ایدئولوژیک به‌طور مستقیم به تأثیر مستقیم در تنظیم و طبقه‌بندی رمزهای دیگر مربوط می‌شود. کارکرد رمزهای ایدئولوژیک طبیعی‌سازی و اسطوره‌سازی از رمزهای قراردادی و قواعد سلطه‌گر است [۵، ص ۱۳۰]. برخی از رمزهای ایدئولوژیک عبارت‌اند از: فردگرایی، پدرسالاری، نژاد، طبقه اجتماعی، مادی‌گرایی و سرمایه‌داری.

هویت جنسیتی

جنسیت به‌سادگی مسئله‌ای مرتبط با سبک جسمانیت نیست؛ بلکه به دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی پیرامون اینکه مردان و زنان الزاماً چیست‌اند یا چه چیزی باید باشند نیز مرتبط است. به‌عبارت‌دیگر، جنسیت اغلب به اندیشه‌های ماهیت‌گرا مربوط است، مبنی بر اینکه مردان ذاتاً خشن‌تر و زنان احساساتی‌ترند. این نوع ماهیت‌گراهای کلیشه‌ای جنسیتی اغلب در فرهنگ

عامه و در گفتمان‌های درمانی و خودیاری (کمک به خویشتن) تقویت می‌شوند. نظریه‌ای ماهیت‌گراست که بر پایه گزاره‌ها یا فرضیاتی در مورد طبیعت زنانه یا مردانه خاصی استوار است که همواره به‌عنوان بخشی از بیولوژیک پذیرفته می‌شود و وجود دارند. بنابراین، تقدیرگرایی بیولوژیکی اغلب این ویژگی‌ها را به‌عنوان صفات درونی و ذاتی و بخشی از میراث تکامل بر مردان و زنان اعمال می‌کند و مواضع تقدیرگرایی بیولوژیکی شامل مباحث و پژوهش‌هایی در این مورد است که مغز نیز براساس (و تحت تأثیر) هورمون‌های زنانه و مردانه در دست‌بندی جنسی زن-مرد می‌گنجد [۱۳، ص ۸۵]. ساخت‌گرایی اجتماعی توضیحات بیولوژیکی برای تفاوت‌های جنسیتی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و بر اهمیت تاریخچه، تجارب و تفاوت‌های فرهنگی در ایجاد شیوه‌های متنوعی از مرد و زن و مردانه و زنانه بودن تأکید دارد [۱۸]. به بیان دیگر، ساخت‌گرایی اجتماعی تقدیرگرایی بیولوژیکی و تکاملی تندرو را به دید شک می‌نگرد و معتقد است چنین نظریه‌ها و پژوهش‌هایی چشم خود را بر این واقعیت بسته‌اند که بیولوژی تاریخچه‌ای دارد و زبان، فرهنگ، گفتمان‌ها و سازمان اجتماعی عوامل اصلی سازنده و تولیدکننده تفاوت‌های جنسیتی‌اند.

هویت جنسیتی، به‌طور کلی، از طریق فرایند یادگیری شکل می‌گیرد. در وهله اول در خانه رخ می‌دهد و بعد از ورود فرد به محیط بیرون از خانه، مثلاً مدرسه و سایر نهادها، ادامه می‌یابد. هویت جنسیتی در سطح تعاملی آموخته‌شده در سطح فرهنگی مادیت و واقعیت می‌یابد و به لحاظ نمادین از طریق خانواده، قانون، مذهب، سیاست، اقتصاد، پزشکی و رسانه‌ها اجرا می‌شود. بنابراین، طی این فرایند هر فرد نقش‌های جنسیتی متناسب با جنس خودش را یاد می‌گیرد و از این‌رو در بیشتر موارد جنس فرد، یعنی ویژگی‌های فیزیکی، با جنسیت او، یعنی شیوه رفتاری که جامعه از او به‌عنوان زن یا مرد انتظار دارد، هماهنگ است [۸، ص ۱۷۸].

هویت جنسیتی حالتی روان‌شناختی است که نمایان‌کننده احساس فرد از مذکر یا مؤنث بودن است و از دو یا سه سالگی ایجاد می‌شود و معمولاً با جنسیت زیستی فرد هماهنگی دارد. پیدایش هویت جنسی حاصل تعداد بی‌شماری از سرنخ‌های برگرفته از والدین و فرهنگ است که خود آن‌ها در مجموع در واکنش به اعضای تناسلی نوزاد پدیدار می‌شود [۶، ص ۲۴۷]. در بسیاری از فرهنگ‌ها کودکان انتظارات، الگوهای رفتاری، هویت و بیوگرافی مرتبط با پسر بودن یا دختر بودن را در بستر خاص اجتماعی، فرهنگی و مذهبی خود می‌آموزند. به عبارت دیگر، این تمایز-که ماهیتی یا این یا آن دارد- به یک تفکیک اجتماعی و روانی و همچنین یک الزام هنجاری مبدل می‌شود. کودکان نیز از سال‌های ابتدایی زندگی عاملان اجتماعی- فرهنگی هنجارسازی جنسیتی هستند، زیرا ویژگی‌ها و هویت‌های جنسیتی را در خود و دیگران تقویت یا سرکوب می‌کنند [۱۴، ص ۳۱].

به‌عبارتی، جنسیت از دو فرایند روانی (ذهنی) و فرایند فیزیولوژیک (بدنی) از شناخت

توسط خود و دیگران به‌عنوان زن یا مرد تشکیل شده است. انسان‌ها از طریق فرایندهای پیچیده از پذیرش و یادگیری رفتارها و ویژگی‌هایی که آن‌ها را به‌عنوان زن یا مرد معرفی می‌کند براساس این شیوه‌ها به یکی از این دو گروه تعلق پیدا می‌کنند و عنوان جنسیتی دریافت می‌کنند. این ساختار دوقطبی ممکن است در برخی فرهنگ‌ها بسیار شدید و در برخی دیگر منعطف و سیال‌تر باشد. انطباق‌پذیری با جنسیت و گرایش‌های غیرهمجنس‌گرایانه یک نیروی اجتماعی بیرونی است که درونی‌سازی شده است [۱۱، ص ۷۳].

جنسیت یک دسته‌بندی منفی و اعمال‌شده وجودی نیست، بلکه گرایش به دختر یا پسر بودن و فراتر از آن نوعی خاص از دختر یا پسر بودن را نیز دربر می‌گیرد. ساختار جنسیت براساس تفاوت جنسی بیولوژیکی موقعیت‌های متفاوتی را برای مردان و زنان در دنیا ایجاد کرده است و به‌طور اجتناب‌ناپذیری آگاهی آن‌ها را به شیوه‌های مختلفی شکل داده است. می‌توان گفت که جنسیت مرز بسیار معینی میان زنان و مردان ترسیم می‌کند و به این ترتیب باعث می‌شود آن‌ها در مسیر درک هویت جنسی خود به آگاهی‌های کاملاً متفاوتی دست یابند. جنسیت یک طبقه‌بندی مجزا نیست، بلکه از سوی هویت‌ها و مواضع دیگری مانند نژاد، قومیت و طبقه، که نوع آگاهی و تجربه هر فردی را تعیین می‌کنند، ایجاد می‌شود. مکان زندگی افراد برحسب دولت‌های ملی و نیز محیط‌هایی مانند شهرها، حومه‌های شهر یا مناطق روستایی نقش درخور توجهی در شانس قرارگیری در معرض پذیرش و حتی طیف سازه‌های جنسیتی و تنوع گرایش‌های جنسی‌اند. انطباق و هماهنگی با هنجارهای جنسی و جنسیتی همچنان در حیطه روابط، خانواده‌ها و بسترهای نهادی قدرت خود را حفظ کرده است [۱۵، ص ۵۱].

فروید نیز ادعا می‌کند که جنسیت ساخته‌ی هویت است که برای دستیابی به خود (مرد یا زن) ضروری است، اما فروید بر این باور است که تناقض جنسیت «هرگز در یک وضعیت خالص وجود ندارد» و به‌طور طبیعی ثابت نشده است [۱۷، ص ۱۰]. ویتل می‌گوید: «جنسیت، مانند خدا، مفهوم تخیلی است» [۱۹، ص ۱۲۰]. برخی نظریه‌پردازان به مردانگی، قانون، پدرسالاری و جنسیت به‌منزله عملی تحریف‌شده می‌نگرند که نمی‌تواند طبقه‌بندی «جنسیت» را به شکل کامل بر عهده گیرد [۱۰، ص ۱۲۵].

برود^۱ به‌وضوح بیان می‌کند جریان اصلی جریان‌های مردانه را به سوی مردان هدایت می‌کنند؛ درحالی‌که زنان «به دنبال پیشرفت و دستیابی به منافع خودند» [۱۳، ص ۱۷۰]. زنان به‌عنوان «دیگری» به مردان می‌نگرند؛ کدهای پدرسالارانه حاکم به قدرت گرفتن هویت مردانه منجر می‌شود و به این ترتیب زنانگی را با ضعف مرتبط می‌کند [۱۷، ص ۱۶-۱۹]. مفاهیم سلسله‌مراتبی مردان را در رأس هرم قرار می‌دهد، با این حال مردان اغلب در بحران و زنان به‌عنوان استیفاکنندگان حقوقشان دیده می‌شوند. بنابراین، این سیستم در معرض بحرانی دائمی از تقابل‌های دوگانه (باینری) جنسیتی قرار می‌گیرد [۱۲، ص ۱۵۵].

پیشینه

در ایران، پژوهش‌های اندکی در خصوص انیمیشن به‌منزله ژانر مورد علاقه کودکان صورت پذیرفته است و اصولاً مباحث مرتبط با جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی در برنامه‌های کودک و انیمیشن حوزه مورد غفلت واقع شده‌ای است که از نگاه پژوهش‌گران حوزه کودک دور مانده است. پژوهش‌های بسیار گسترده‌ای در حوزه جنسیت و بازتابی آن در آثار سینمایی، تلویزیونی، رمان‌های ادبی و... انجام گرفته است. باین‌حال، پژوهش مستقل و هدفمندی که زمینه بازتابی جنسیت در انیمیشن‌های ایرانی باشد چندان به چشم نمی‌آید. خلأ موجود در این حوزه ما را بر آن داشت تا با بررسی انیمیشن‌های ایرانی به کشف و چگونگی بازتابی این موضوع بپردازیم.

- پژوهش بازتابی کودک در تبلیغات تلویزیونی که با رویکرد تحلیل محتوا در سال ۲۰۱۱ از سوی آنا زاپیتی^۱ به انجام رسید. داده‌ها نشان می‌دهد یک دید کلی از کودکان دختر در این تصاویر وجود دارد و این نه تنها در ویژگی‌های کلیشه‌ای جنسیتی، بلکه در ویژگی‌های دیگر نیز صادق است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تصویرهای کلیشه‌ای زنان حتی برای زنان بسیار جوان و حتی کودکان نیز وجود دارد. هرچند این دیدگاه کلیشه‌ای در سال‌های اخیر روندی نزولی را پیش رو داشته است، همچنان کودکان دختر با کلیشه‌های چون کم‌حرف و آرام بودن، کم‌حرکی و انفعال، توجه به وضعیت ظاهری و نوع پوشش خود سطحی‌نگری و به دور از بلندپروازی بازتابی شده‌اند.

- پژوهش تأثیرات منفی انیمیشن بر کودکان [۱۹] بیان می‌کند ذهن کودک به‌سرعت در پی کسب و تقلید چیزی است که در معرض آن قرار دارد. هدف اصلی این مقاله بررسی اثر کارتون در کودکان بین ۵ تا ۱۰ ساله است. داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که تماشای انیمیشن تأثیر زیادی بر ذهن، ارزش‌ها و رفتارهای کودکان دارد. به گونه‌ای که کودکان با انیمیشن‌ها همچون موجوداتی زنده تعامل برقرار می‌کنند. انیمیشن‌ها حتی اعمال خشونت‌آمیز، حرف‌های توهین‌آمیز، نزاع‌های عامدانه، محتوای جنسی و فانتزی را نشان می‌دهند.

- پژوهش اعظم ده‌صوفیانی با عنوان والت‌دیزنی و کلیشه‌سازی برای کودکان نحوه نمایش کلیشه‌های جنسیتی در فیلم‌های انیمیشن در سال ۱۳۸۷، حاکی از کلیشه‌های رایج منتسب به زنان و مردان در انیمیشن‌های والت‌دیزنی است. انیمیشن‌های که به منظور رمزگشایی از کلیشه‌های جنسیتی انتخاب شده‌اند شامل سفیدبرفی و هفت کوتوله (۱۹۳۷)، زیبای خفته (۱۹۵۹) و سیندرلا (۱۹۵۰) و آلیس در سرزمین عجایب (۱۹۵۱) هستند. کلیشه‌های رایج زنانه نظیر جذابیت، جوانی، مسئولیت‌پذیری، فضولی و دخالت‌کردن، انجام‌دادن کارهای خانگی،

1. Anna zapiti

روابط صمیمانه با اشیا و کلیشه‌های مردانه مانند انجام دادن فعالیت‌های بدنی، رزمی و نمایشی، عصبانی شدن، ورزشکاری و مشاغل متعدد و متنوع در انیمیشن‌های والت‌دیزنی است. در مجموع، کلیشه‌سازی‌های جنسیتی و طبیعی‌سازی آن در فیلم‌های والت‌دیزنی در موارد بسیاری رایج است. اغلب مردان با ویژگی‌های برتر و مثبت‌تری به زنان به تصویر کشیده می‌شوند که رسانه به واسطه قدرت هژمونیک خود این موارد را عادی و باورپذیر جلوه می‌دهد.

- مقاله تحلیل گفتمان شبکه کودک «جم‌جونور» در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه، که مسعود کوپری و امیرعلی تفرشی ۱۳۹۵ نگاشته‌اند. در این پژوهش، با استفاده از قابلیت‌های تحلیلی نظریه گفتمان لاکلا و موف، سه انیمیشن شبکه جم‌جونور با عناوین *باربی*، *زندگی در خانه رویایی*، *رقصندگان آسمان* و *اسکوبی دو؛ راز گنجینه مطالعه شدند*. در انیمیشن *باربی*، «زیبایی و جذابیت» و در دو انیمیشن دیگر، دال گفتمانی «اجتماعی‌بودن» به‌عنوان دال مرکزی شناسایی شد. در برآیند کلی مطالعه گفتمان این شبکه، مشخص شد که دال مرکزی مجموع برنامه‌های مطالعه‌شده در نظم گفتمانی هویت زنانه «اجتماعی‌بودن» است. این در حالی است که دال‌های پیرامونی دیگری نیز چون «فردگرایی»، «روابط میان جنسیتی»، «اخلاقی‌مداری» و «زیبایی و جذابیت» مجموعه گفتمانی این شبکه را در نظم گفتمانی هویت زنانه تشکیل می‌دهند.

روش تحقیق

براساس هدف پژوهش، «بازنمایی جنسیت در انیمیشن‌های ایرانی» و چارچوب نظری برای دستیابی به پاسخ پرسش‌ها از روش «تحلیل محتوای کیفی» و رویکرد «نشانه‌شناسی» بهره گرفته می‌شود. تحلیل کیفی درصدد کشف معناها و الگوهای اصلی روابط میان اجزاست. براساس رویکرد نشانه‌شناسی، انیمیشن به‌منزله عنصری فرهنگی نوعی اسطوره است که پیامی را به مخاطب انتقال می‌دهد و این پیام معنایی برای عامه مردم دارد.

روند ایجاد معنا در یک متن مستلزم حرکت مستمر صعودی و نزولی در سطوح مختلف رمزگانی است [۵، ص ۱۵۴]. معنا فقط زمانی ایجاد می‌شود که واقعیت و انواع بازنمایی و ایدئولوژی در یکدیگر ادغام شوند و به‌نحوی منسجم و ظاهراً طبیعی به نظر برسند. بر این اساس، در این پژوهش تحلیل سه سطحی منطبق به رمز فنی، اجتماعی، ایدئولوژیکی ارائه خواهد شد. بنابراین، مراحل پژوهش ما براساس تحلیل نشانه‌شناسی فیسک به شرح ذیل است:

۱. توصیف فضای کلی و سطحی انیمیشن، بیان روایت و ارائه شمایی کلی از آنچه در جریان دو انیمیشن رخ می‌دهد. این امر به سبب آشنایی خواننده اثر با آنچه در حال رخ دادن در داستان انیمیشن‌ها و همچنین ایجاد فضای ذهنی مطلوب و آشنایی نسبی با جریان روایت است؛

۲. توصیف نشانه‌ها و رمزگان‌های فنی، توصیف رمزگان‌های فنی اطلاعات کامل‌تر و ژرف‌تری در مقایسه با مرحله اول پژوهش (توصیف سطحی) در اختیار ما قرار می‌دهد. در این مرحله، در مورد دال و مدلول‌ها سخن به میان می‌آید، آشنایی مختصری از شخصیت‌های داستان حاصل می‌شود، همچنین درباره مسائلی چون نورپردازی، تصاویر پس‌زمینه، رنگ‌های غالب به کار گرفته شده، موسیقی متن و... بحث خواهد شد؛
۳. توصیف نشانه‌های اجتماعی، در این مرحله از مواردی چون رمزگان‌های رفتاری، اخلاقی، خانوادگی، شخصیتی، نوع ظاهر و پوشش شخصیت‌ها سخن به میان آورده می‌شود و سبب غنی‌تر شدن داده‌ها نسبت به مراحل قبل می‌شود؛
۴. توصیف نشانه‌های ایدئولوژیک را در این مرحله عنوان می‌کنیم و خواهیم گفت که ایدئولوژی چگونه رمز فنی و اجتماعی را انسجام می‌دهد. در واقع، در پی کشف رمزهای ایدئولوژیکی هستیم که بازنمایی‌ها در صدد عادی‌سازی و مشروع کردن آن‌ها گام برمی‌دارند.

یافته‌ها

مجموعه مهارت‌های زندگی برای کودکان داستان‌های کوتاه در قالب آموزش مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی اجتماعی و شخصی کودکان و به‌طور خاص گروه مخاطبان هدف ۷ تا ۱۴ سال گنجانده شده است (همان). برخلاف مجموعه‌های سریال‌گونه، که داستان به‌هم‌پیوسته ساخته می‌شود و مخاطب را از ابتدا تا انتهای سریال با موضوعی منسجم و خط سیری واحد با خود همراه می‌کند، در این مجموعه هر قسمت موضوع تازه‌ای را پی می‌گیرد که در طول مدت ده دقیقه و با پایان همان قسمت خاتمه می‌یابد. بدین معنا که آموزش هر یک از مهارت‌هایی که به اعتقاد سازندگان این مجموعه برای زندگی کودکان ضروری و مهم می‌نماید فقط در ده دقیقه به سرانجام می‌رسد. با شروع قسمت جدید موضوع دیگری به میان آورده می‌شود و روال کلی این مجموعه تا انتها به همین ترتیب پیش می‌رود.

باین‌حال، انیمیشن مهارت‌های زندگی روایت، محتوا، الگو و شخصیت‌های خاص خود را دارد و داستان حول خانواده متوسط شهری شکل می‌گیرد. پدر خانواده (رضا) مهندس و مادر (زهرا) دبیر ادبیات است. این خانواده دو فرزند دارند. دختر بزرگشان (مهسا) در کلاس اول راهنمایی و پسر کوچکشان (دانا) در کلاس اول دبستان تحصیل می‌کنند. پدر بزرگ (مرتضی) و مادر بزرگ (بتول) نیز با آن‌ها هم‌خانه‌اند. پدر بزرگ خلبان بازنشسته و مادر بزرگ زنی خانه‌دار است و در کارهای خانه به عروسش یاری می‌رساند. اعضای خانواده در خانه‌ای نسبتاً بزرگ و به‌ظاهر سنتی در محله‌ای شلوغ و پرماجرا سکونت دارند. در همسایگی آن‌ها، آقای فرهنگ، که باجناب رضاست، با همسرش

(زهرة) و دوقلوهای همسانشان (پریا و پوریا) زندگی می‌کنند. آقای فرهنگ فروشگاه بزرگ فرش دارد که به کمک شاگردش آنجا را اداره می‌کند. زهره خانه‌دار است و اغلب اوقات خود را به رتق و فتق امور خانه و فرزندان مشغول می‌کند. پریا و پوریا سال‌های پایانی مقطع دبستان را می‌گذرانند. این مجاورت جریان زندگی روزمره این دو خانواده را به یکدیگر گره زده است؛ به نحوی که از جزئی‌ترین مسائل زندگی یکدیگر آگاه‌اند. نسبت خویشاوندی، رفت‌وآمدهای خانوادگی گسترده، همبازی بودن فرزندان با یکدیگر و برنامه‌های مشترک متعدد بر مستحکم‌شدن این پیوند می‌افزاید و زمینه همکاری و همدلی بیشتر را فراهم می‌آورد. جدول ۱ به شخصیت‌شناسی کاراکترها براساس رمزگان اجتماعی فیسک می‌پردازد.

جدول ۱. رمزگان‌های اجتماعی در کاراکترهای انیمیشن مهارت‌های زندگی برای کودکان

کاراکترها	ویژگی ظاهری	ویژگی شخصیتی	ویژگی رفتاری
پدر بزرگ	مرد، سالمند، شانه‌های پهن و مردانه، موها و محاسن سفید، پوشش رسمی در همه مکان‌ها (کت و شلوار)، شیوا و رسا سخن گفتن، آراسته	کاردان، بادرایت، منظم، مستقل، اجتماعی، نکته‌سنج و دقیق، خوشرو، محبوب، پرتلاش، خوش‌صحت	تصمیم‌گیری براساس منطق، نقل روایات و احادیث برای اعضای خانواده، کمک کردن به دیگران، برنامه پیاده‌روی منظم، داشتن دوستان بسیار، خونسرد و آرام، ساخت ماکت هواپیماها
مادر بزرگ	زن، سالمند، ضعف قوای جسمی، ابروهای به‌هم‌پیوسته و سفید، گاهی عینک می‌زند، پوشش پیراهن بلند و روسری در خانه و چادر مشکی خارج از خانه	دلسوز، احساساتی، غرغرو، دخالت کردن نابه‌جا در امور اعضای خانواده، شایعه‌پراکن، منفی‌باف	وابستگی و اطمینان به همسر در تصمیم‌گیری‌ها، بیشتر وقتش در خانه و به استراحت می‌گذرد، به مهارت‌های طب سنتی و گلدوزی آشنایی دارد، ایراد گرفتن از دیگران و سرزنش آن‌ها
آقا رضا	مرد، میان‌سال، عینکی، موهای مشکی و پر، سبیل مرتب و ظاهری آراسته با پوشش رسمی	مثبت‌نگر، موفق در کار، آینده‌نگر، دانا، توانمند، عاقل، موجه، قانون‌مند	اهل مطالعه، به‌ندرت اشتباه می‌کند، اغلب تصمیمات معقولانه و منطقی می‌گیرد، در مهارت‌های فنی و تعمیر لوازم منزل سررشته دارد، مقید به احترام قوانین، پند و اندرز دادن به کودکان
آقا فرهنگ	مرد، میان‌سال، سر بزرگ و نیمه‌طاس، سبیل‌های نامرتب، شکم برآمده، لباس غیررسمی با رنگ روشن، گویش نامتعارف و صدای نامفهوم	لوده، شوخ‌طبع، منفعت‌طلب، خانواده‌دوست، دارای اعتماد به نفس کاذب، پرتلاش، ناآگاه، عجول، قانون‌گریز	بروز رفتارهای گاه بی‌ادبانه، دروغ‌گویی و پنهان‌کاری هنگام استیصال، خودرأی بودن در هنگام تصمیم‌گیری، شکم‌باره و پرخور، پراشتباه

تسلیم و مطیع همسر و فرزندان، رابطه صمیمی با خواهر و ارائه راهکارهای تربیتی به او، در تصمیم‌گیری‌ها اغلب تابع نظر جمع، حساس به خطاها و اشتباهات فرزندان	مهربان، احساساتی، صبور، فداکار و باگذشت، همدل با اعضای خانواده، مسئولیت‌پذیر، قانع، ترسو، سازگار	زن، میان‌سال، صدای ظریف و دل‌نشین، پوشش در خانه پیراهن بلند و مقنعه، خارج از خانه مانتو و مقنعه	زهرا خانم
تمسخر و تحقیر فرزندان و همسر در جمع، گریه کردن و داد و فریاد زدن هنگام بروز مشکلات، دستپاچه شدن، تصمیم‌گیری به جای فرزندان در مسائل شخصی آن‌ها، آشنا با مهارت‌های خیاطی و دوزندگی	اهل گله و شکایت، آستانه تحمل پایین، ناتوانی در حل مشکلات، وسواسی و مرتب، صریح و رک‌گو	زن، میان‌سال به لحاظ ظاهری بسیار شبیه خواهرش زهرا، پوشش در خانه پیراهن بلند گلداز و مقنعه، خارج از خانه چادر بر سر می‌کند.	زهرا خانم
زود عصبانی می‌شود و عصبانیتش را نمی‌تواند کنترل کند، در امور روزمره از برادرش دانا کمک می‌گیرد، دوست دارد از مسائل و زندگی خصوصی دیگران آگاه شود، گریه کردن	اعتماد به نفس پایین، منزوی، کم‌حرف، حساس و زودرنج، عصبانی و پرخاشگر، ضریب هوشی پایین	دختر، کودک، ریزجثه و کوتاه‌قد، عینکی، پوشش در خانه پیراهن و مقنعه، خارج از خانه در همه مکان‌ها فرم مدرسه بر تن دارد.	مهسا
برنامه‌های فراغتی گسترده مانند: فوتبال بازی کردن، بازی در پارک، انجام دادن بازی‌های رایانه‌ای، جمع‌آوری اطلاع درباره دایناسورها، مشاوره دادن به دوستان و همسالان، حمایتگر	باهوش، شجاع، قدرت تخیل بالا، خونگرم و اجتماعی، توجه به جزئیات، پر حرف، بازیگوش	پسر، کودک، بدن متناسب، موهای قهوه‌ای و خوش‌سیما، شیرین‌زبان، پوشش یکسان (بلوز و شلوار) در همه مکان‌ها حتی در مدرسه	دانا
اغلب اوقات در خانه مشغول بازی با عروسک‌هایش است، در مقابل اشتباهات پدر سکوت می‌کند، هنگام مواجهه با مشکلات هرچند کوچک به قهر و گریه متوسل می‌شود.	حسود نسبت به برادر، دیرفهم، منفعل و پذیرا، ناتوان در امور شخصی، وابسته	دختر، کودک، لاغر، نازبیا، در خانه پیراهن بلند و مقنعه و بیرون از خانه لباس‌های مدرسه‌اش را می‌پوشد. همیشه کلاه‌های زیر مقنعه می‌پوشد که ابروهایش را می‌پوشاند.	پریا
گاهی رفتارهای خودخواهانه دارد، آزار دادن و ترساندن خواهرش پریا، بد غذا و عیب‌جو، با صحبت‌های طنزگونه به دنبال جلب توجه اطرافیان است.	آزمایشگر، کم‌حرف، نترس، خودمحور، کمی خشن	پسر، کودک، بینی بزرگ، موهای چتری و بلند که تا روی ابروهایش می‌آید، دوقلوی همسان با خواهرش پریا	پوریا

مردان در این مجموعه در سه گروه سنی سالمند، میان‌سال و کودک حضور دارند که در میان آن‌ها پدر بزرگ علاوه بر داشتن ظاهری آراسته و پوششی رسمی در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها (کت و شلوار) مزین به همهٔ فضائل اخلاقی است. علاوه بر این، در همهٔ مشکلات راه‌حل‌های درست و منطقی ارائه می‌دهد و تنها شخصیت بی‌عیب و نقص و مورد احترام و پذیرش کامل از سوی دیگر کاراکترهای این مجموعه است. برنامهٔ روزانهٔ منظمی دارد که پیاده‌روی در پارک، دیدار با دوستان و اقوام، مطالعه و خرید نان در آن گنجانده شده است. برنامه‌ریزی و درایت او سبب شده است وقت کافی نه تنها برای رسیدگی به امور شخصی خود، بلکه برای رسیدگی به مشکلات سایر اعضای خانواده و آشنایان داشته باشد و به فردی امین و معتمد بین دیگران شهره باشد.

آقا فرهنگ و آقا رضا مردان میان‌سال مجموعه‌اند که آقا فرهنگ با وجود اشتباهات بسیار در تصمیم‌گیری‌ها و ناکامی‌های بی‌درپی همچنان در مورد مسائل خانوادگی به‌تنهایی و بدون مشورت تصمیم‌گیری می‌کند. با وجود این، هیچ‌یک از اعضای خانواده در مقابل تصمیمات او جبهه نمی‌گیرند و با اطاعت کامل فرامین او را اجرا می‌کنند. او شخصی خودرأی است که هیچ‌چیز مانع از اجرای برنامه‌ها و تصمیماتش نمی‌شود. در بسیاری از مواقع منفعت شخصی خود را به منافع خانوادگی و جمعی ترجیح می‌دهد.

آقا رضا نزدیک‌ترین شخصیت به پدر بزرگ است، آینده‌نگر، خوشرو و مورد اعتماد است و مهارت‌هایی مانند تعمیر لوازم برقی و الکترونیکی دارد. تماشای فوتبال و مطالعهٔ روزنامه از سرگرمی‌های مورد علاقهٔ اوست. او نیز مانند آقای فرهنگ و پدر بزرگ فقط به انجام دادن امور خارج از خانه اکتفا می‌کند و اوقاتی را که در منزل به سر می‌برد فقط به انجام دادن کارهای شخصی و استراحت می‌پردازد.

کودکان پسر این مجموعه دانا و پوریا هستند. دانا خوش‌سیما و شیرین‌زبان است. باهوش و پر جنب و جوش است، زمان‌های فراغت خود را اغلب به بازی‌های دسته‌جمعی با دوستان و در خارج از خانه می‌گذراند. علاوه بر این، از قدرت تخیل بالایی برخوردار است؛ به‌طوری‌که عروسک دایناسورمانندی دارد که به جای آن حرف می‌زند و به خیال‌پردازی‌های کودکانه‌اش مشغول می‌شود. با وجود داشتن سن کم در هنگام وقوع مشکلات از خواهر بزرگ‌ترش، مهسا، حمایت می‌کند و به او همفکری می‌دهد.

پوریا شخصیتی مستقل و تا حدودی خودخواه است. در بسیاری از اوقات خواهر دوقلویش را با رفتار و گفتارش می‌آزارد. خودمحور و کمی خشن است. برای خنداندن دیگران و جلب توجهشان دست به کارهای نامتعارف می‌زند. در صحبت‌هایش رک‌گو و بی‌ملاحظه است و هر حرفی را به‌آسانی بر زبان می‌آورد. به عکاسی علاقه دارد و زمان‌های که خارج از خانه هستند دوربین عکاسی‌اش را به همراه دارد.

زنان این مجموعه نیز همانند مردان در سه دسته سالمند، میان‌سال و کودک می‌گنجند. مادر بزرگ در دسته اول، یعنی سالمند، قرار می‌گیرد. او از نظر قوای جسمی ضعیف است و گاهی اوقات برای راه رفتن از عصا استفاده می‌کند. در بسیاری از امور مرتبط با نوه‌ها و فرزندان، بدون درخواست کمک از سوی آن‌ها، مداخله می‌کند و اغلب ایرادگیر و غرغرو است. مادر بزرگ کلیشه‌های سنتی منتسب به زنان را با خود یدک می‌کشد. او در میان جمع زنان همسایه به راحتی غیبت، بدگویی و شایعه‌پراکنی می‌کند. با این حال، فردی دلسوز است و هنگام بیماری اعضای خانواده برای درمان راهکارهای طب سنتی را به آن‌ها پیشنهاد می‌کند.

از میان زنان میان‌سال انیمیشن مهارت‌های زندگی زهرا خانم و زهره خانم را می‌توان نام برد. زهرا خانم دبیر ادبیات است، اما در طول دویست و پنجاه قسمت این مجموعه حتی یک بار هم در مدرسه و در شغلش بازنمایی نشده است، بلکه تمام مدت او را در منزل و مشغول انجام دادن امور مربوط به همسر و فرزندان می‌بینیم. او در تصمیم‌گیری‌ها نظر مستقلاً ندارد، بلکه تابع نظر سایر اعضای خانواده است. شخصی بسیار احساساتی است و برای رسیدگی به امور تربیت و سلامت فرزندان بسیار تلاش می‌کند. با این حال، نیازمند حمایت و پشتیبانی همسرش در امور مرتبط با خود و خانواده‌اش است.

زهرا خانم خانه‌دار است و در هنگام بروز ناملایمات زندگی، هر چند کوچک، لب به شکایت می‌گشاید و هنگام وقوع حوادث ناگوار و مشکلات به‌طور کامل تسلط بر خود را از دست می‌دهد و شروع به داد و فریاد و گریه می‌کند. در جمع‌های خانوادگی فرزندان را تحقیر و از آن‌ها عیب‌جویی می‌کند. به تمیزی و نظافت به شکل افراط‌گونه‌ای اهمیت می‌دهد؛ به گونه‌ای که گاهی رفتارهای وسواس‌آمیز از او سر می‌زند.

مهسا و پریا کودکان دختر این مجموعه‌اند. مهسا دختری ریزجثه و عینکی است که در خانه و در حضور محارم نیز پیراهن بلند بر تن و روسری بر سر دارد. زودرنج و حساس به حرف‌ها و رفتار اطرافیان است و به سرعت عصبانی می‌شود و از کنترل خشم خود عاجز است. اعتماد به نفسی پایین دارد و به نسبت سنش مهارت و توانایی بسیار اندکی دارد. اغلب اوقات در داخل خانه مشغول انجام دادن تکالیف درسی‌اش نشان داده می‌شود. به تنهایی قادر نیست از پس مسائل شخصی خود برآید، بلکه همواره یکی از اعضای خانواده به او برای فائق شدن بر مشکلاتش کمک می‌کنند.

پریا دختری با قد بلند و لاغر (نامتوازن) است که در چهره او بینی بزرگش نخستین چیزی است که جلب توجه می‌کند. پوشش او نیز همانند مهسا است. شخصیتی منفعل و قدرت‌یادگیری و فهم پایینی دارد. بیشتر اوقات در خانه و مشغول بازی با عروسک‌هایش است. هنگام بروز مشکلات به گریه کردن متوسل می‌شود. منتظر کمک دیگران می‌ماند. به برادرش حسادت می‌کند و گاه‌گاه میان آن‌ها دعوایی رخ می‌دهد.

انیمیشن بچه‌های ساختمان گل‌ها

در انیمیشن *بچه‌های ساختمان گل‌ها*، برای نخستین بار کودک به صورت غیرمستقیم با تمایز فضای خصوصی و عمومی مواجه می‌شود. مفهوم حجاب مصداقی مقدماتی برای بیان این تفاوت است. محتوای داستان انتقال می‌دهد که حجاب به فضای عمومی اختصاص دارد و مکانیزمی است که زن به واسطه آن از فضای خصوصی خارج می‌شود و به فعالیت اجتماعی می‌پردازد. تفکیک فضای عمومی و خصوصی به واسطه تفاوت در پوشش و رفتار برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی در انیمیشن *بچه‌های ساختمان گل‌ها* دیده می‌شود؛ به نوعی که می‌توان آن را گونه‌ای جدید از ساختارشکنی در ترویج و آموزش فرهنگ حجاب در میان تولیدات انیمیشن‌های ایرانی نامید.

علاوه بر این، مجموعه *ساختمان گل‌ها* در صدد آموزش مهارت‌های زندگی جمعی و همچنین تقویت روحیه خودباوری در کودکان است. این انیمیشن نیز مشابه انیمیشن *مهارت‌های زندگی برای کودکان* از مجموعه قسمت‌های دوازده دقیقه‌ای با داستان‌های مجزا ساخته شده است و در زمره انیمیشن‌های کوتاه جای دارد. با این حال، روایت حول ساکنان ساختمان گل‌ها، روزمرگی‌ها و مسائل مربوط به آن‌ها شکل می‌گیرد.

در این میان، حسنا دختر پنج‌ساله‌ای نیز وجود دارد که شخصیت اصلی داستان است و اغلب در بیشتر قسمت‌های این مجموعه حضور دارد. او همراه پدر، مادر و برادرش، سینا، که به تازگی به دنیا آمده در ساختمان گل‌ها سکونت دارند. پدر حسنا انیماتور و در شرکت انیمیشن‌سازی مشغول به کار است. مادرش نیز در خانه به مراقبت از فرزندان و خانه‌داری می‌پردازد. خانه آن‌ها علاوه بر اعضای خانواده عضو دیگری نیز دارد که آن جوجه‌غازی با نام پپر و متعلق به حسناست. پدر بزرگ و مادر بزرگ، دایی، عمو و عمه حسنا در این ساختمان همسایه آن‌ها هستند. دیگر ساکنان این ساختمان دوستانش هستند و تقریباً همه‌روزه برای بازی با یکدیگر در حیاط ساختمان جمع می‌شوند. علاوه بر بازی‌هایی که خود کودکان انجام می‌دهند، یکی از همسایه‌ها مهد کودک کوچکی آماده کرده و گاهی بچه‌ها را در آنجا جمع می‌کند و به آن‌ها شعر، نقاشی و کاردستی یاد می‌دهد.

جدول ۲. رمزگان‌های اجتماعی در کاراکترهای انیمیشن بچه‌های ساختمان گل‌ها

کاراکترها	ویژگی ظاهری	ویژگی شخصیتی	ویژگی رفتاری
پدر بزرگ	مرد، سالمند، موها و محاسن سفید و مجعد، پوشش پیراهن سفید با جلیقه سورمه‌ای و شلوار قهوه‌ای	خوشرو، اجتماعی و اهل معاشرت، صبور، خونگرم و یاری‌رسان، پرکار و علاقه‌مند به باغبانی	با کودکان بسیار مهربان و خوش‌رفتار است و برای سرگرم کردن آن‌ها ایده‌های خلاقانه و مناسبی دارد. به یادگیری آن‌ها اهمیت می‌دهد و اغلب آموزش‌هایی نظیر نگهداری از گیاهان، مهربانی با حیوانات و قدردانی از نعمت‌ها را به کودکان می‌آموزد.
مادر بزرگ	زن، سالمند، چاق، عینکی، پوشش پیراهن بلند و روسری در خانه، چادر در خارج از خانه	دلسوز، با درایت و کاردان، مسئولیت‌پذیر، خوش‌صحت، قابل اعتماد، مسلط بر رفتار و گفتار	در رابطه با امور روزانه با همسرش مشورت می‌کند، به مسائل زندگی فرزندانش آگاه است و در صورت لزوم به آن‌ها کمک می‌کند، در مواجهه با مشکلات کاملاً خونسرد است و رفتار منطقی و عقلانی را برمی‌گزیند.
آقا رضا	مرد، جوان، آراسته، موها و محاسن مشکی، پوشش پیراهن سفید با جلیقه سبز و شلوار خاکستری	منظم و دقیق، علاقه‌مند به مطالعه، باحوصله، محتاط، مؤدب، قدردان	در نگهداری نوزادشان به همسرش کمک می‌کند، در خانه با دختر کوچکش، حسنا، بازی می‌کند، دیگران را با القاب زیبا صدا می‌کند.
زهرا خانم	زن، جوان، زیبا، موهای بلند و مشکی با اندام متناسب، پوشش بلوز و شلوار در خانه، خارج از خانه چادر مشکی	صمیمی و خوش‌برخورد، مهمان‌نواز، دست و دلباز و سخاوتمند، خوش‌صحت	همدردی کردن با دیگران، اغلب تصمیمات درست و منطقی می‌گیرد و در مقابل اشتباهات کودکان با ملامت و آرامش برخورد می‌کند. مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده
حسنا	زن، کودک، زیبا، موهای حنایی‌رنگ و بلند با گل سر قرمز رنگ، چشم‌های عسلی با مژه‌های بلند و بینی کوچک، پوشش پیراهن بلند آبی	کنجکاو و پرسش‌گر، باهوش و نکته‌سنج، مهربان، مسئولیت‌پذیر، پرتحرک، مستقل در انجام دادن کارهای شخصی	نگهداری و مراقبت از جوجه‌غازش پپر، مهربانی و همدلی با دوستان و کمک به آن‌ها در کارها، کمک به مادر در انجام دادن کارهای خانه
نگار	زن، کودک، زیبا، موهای بلند و بافته‌شده قهوه‌ای، چشم‌های مشکی با مژه‌های بلند، پوشش پیراهن بلند	خلاق و مبتکر، استقلال‌شخصیتی، اعتماد به نفس بالا، به‌ندرت عصبانی می‌شود	علاقه‌مند به یادگیری و کار با ابزار جدید ارتباطی، در رابطه با مسائل پیرامون به‌خوبی فکر می‌کند و به تجدید نظر در برخی گفتار و رفتار در قبال دیگران می‌پردازد.
آرش	مرد، کودک، عینکی، موهای کوتاه و مشکی، پوشش غیررسمی بلوز و شلوار راحتی	مؤدب، خندان، آرام و باگذشت و فداکار، پرجنب‌وجوش، خوش‌فکر	هنگام انجام دادن اشتباه به‌راحتی عذرخواهی می‌کند و درصدد جبران برمی‌آید. با بچه‌های کوچک‌تر خوش‌رو است و هنگام بازی از آن‌ها مراقبت می‌کند.

کاراکترهای اصلی مرد در انیمیشن *بچه‌های ساختمان گل‌ها* همانند مجموعه‌ی مهارت‌های زندگی برای کودکان در سه گروه سالمند، جوان، کودک قرار می‌گیرند. پدربزرگ در دسته‌ی سالمندان قرار می‌گیرد. او فردی آرام و باطمأنینه است. شخصیتی مهربان و خوش‌رفتار که فرزندان و نوه‌هایش به او عشق می‌ورزند. هنگامی که در خانه است بیشتر وقت خود را برای سرگرم کردن نوه‌هایش و آموزش برخی مهارت‌ها به آن‌ها صرف می‌کند؛ گویی او نیز مانند کودکان در دنیای آن‌ها غرق می‌شود و با آن‌ها همذات‌پنداری می‌کند. این امر سبب می‌شود کودکان از بودن در کنار او احساس رضایت و خرسندی کنند.

در میان مردان جوان این مجموعه، آقا رضا به‌عنوان کاراکتر اصلی و نماینده‌ی سایر مردان این گروه برگزیده شده است و سایر اعضای این گروه نیز کمابیش چنین خصلت‌هایی دارند. آقا رضا انیماتور است و هنگامی که از کار خارج از خانه فارغ می‌شود و به خانه بازمی‌گردد، به امور فرزندان رسیدگی می‌کند. او در نگهداری نوزادشان به همسرش کمک می‌کند. اوقاتی را به بازی و صحبت کردن با دخترش، حسنا، اختصاص می‌دهد. به‌طور کلی او شخصیتی قدردان، مؤدب و خانواده‌دوست است.

آرش نماینده‌ی کودکان پسر این مجموعه است. او، همانند سایر پسران این مجموعه، به‌ندرت در حال بازی‌های منتسب به کلیشه‌های جنسیتی پسران، نظیر ماشین‌بازی، شمشیربازی، تفنگ‌بازی و...، بازنمایی شده، بلکه اغلب موارد در حیطه ساختمان با سایر کودکان (دخترها و پسرها) مشغول انجام دادن کاری مانند کشیدن نقاشی، درست کردن کاردستی، تاب‌بازی و خواندن کتاب‌های داستان است. شخصی حمایت‌گر و اغلب مواقع مراقب سایر کودکان است. زنان این مجموعه نیز در سه رده‌ی سنی سالمند، جوان و کودک قرار می‌گیرند. مادربزرگ، که زنی کاردان و بادرایت است، در دسته‌ی نخست جای دارد. خیرخواه و کمک‌رسان است. در مورد مسائل روزمره به‌خوبی با همسر و فرزندان صحبت می‌کند و آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند. علاوه بر این، پذیرای نوه‌ها و فرزندان خود است و آن‌ها به‌راحتی در خانه‌اش رفت‌وآمد می‌کنند. مادربزرگ با اصول درمانی طب سنتی آشنایی دارد و علاقه‌مند است بیماری‌ها را با این روش درمان کند.

زهرا خانم در این مجموعه زنی جوان است که دو فرزند دارد. اغلب اوقات مشغول رسیدگی به امور خانه و فرزندان است. پوشش او با آنچه زنان در دنیای واقعی و در خانه‌هایشان می‌پوشند مطابق است. در خانه روسری بر سر ندارد، اما برای خروج از خانه همیشه چادر می‌پوشد. با حوصله و آرامش جواب سؤالات دخترش را می‌دهد و او را به انجام دادن امور خانه ترغیب می‌کند. در بسیاری از مسائل خانوادگی نظرش را جویا می‌شود و از همفکری او بهره می‌برد. با همسرش رابطه‌ی موازی و همسطح دارد و هم‌اندازه‌ی او توانایی تصمیم‌گیری و انتخاب برای زندگی مشترکشان دارد.

حسنا و نگار دختران کوچک ساختمان گل‌ها هستند. حسنا دختری مستقل و با پشتکار است. او به‌تنهایی از جوجه‌غازش مراقبت می‌کند، به او غذا می‌دهد و در مواقعی که خطایی از او سر می‌زند، مسئولیت آن را برعهده می‌گیرد. کنجکاو و نکته‌سنجی از خصیصه‌های بارز اخلاقی اوست؛ به‌طوری که به پیرامونش حساس است و از اتفاقات و مسائل اطرافش بی‌اعتنا گذر نمی‌کند و در حد امکان سعی می‌کند به آن‌ها رسیدگی کند. حسنا، به‌رغم سن کم، در برقراری رابطه همسطح و اصولی با افراد بزرگ‌تر و کوچک‌تر از خود توانمند است. نگار نیز، همانند حسنا، شخصیتی کنجکاو است و به یادگیری مهارت‌های جدید علاقه‌مند دارد. او بسیار خوش‌فکر است و توانایی بازنمایشی بالایی دارد. اغلب اوقات تمایل دارد به کارهای مبتکرانه و جدید پردازد.

نتیجه‌گیری

جدول ۳. مقایسه دو انیمیشن از منظر بازنمایی جنسیت

نام انیمیشن	مرد	زن	تعداد کاراکترهای اصلی	نحوه بازنمایی زنان	نحوه بازنمایی مردان
مهارت‌های زندگی برای کودکان	۵	۵	۱۰	بازنمایی مبتنی بر کلیشه‌های سنتی جنسیت در جامعه، نداشتن استقلال و اعتمادبه‌نفس، وابستگی به جنس مذکر، ضریب هوشی پایین و دیرفهم، تسلط‌نداشتن بر خود و ناتوانی در حل مسائل، دستپاچگی و گریه‌کردن هنگام بروز مشکلات، غرغرو و ایرادگیر بودن، اطاعت از همسر، عدم حضور مستمر و فعالانه در جامعه، ضعف قوای جسمی	داشتن استقلال، خوش‌فکر و منطقی‌بودن، تجهیز به مهارت‌های بسیار، خلاقیت و ابتکار عمل داشتن، حمایت‌گر و با اعتمادبه‌نفس بودن، خوش‌رفتار، انجام‌دادن بازی‌های خشن و منتسب به جنسیت پسران، بازنمایی خارج از خانه و داشتن ارتباطات دوستی گسترده، حضور فعال در اجتماع و آگاهی‌داشتن از مسائل پیرامون، برخورداری از صحت و سلامت کامل جسمی
بچه‌های ساختمان گل‌ها	۳	۴	۷	شکستن کلیشه‌های جنسیتی سنتی، زیبا، باهوش، با‌درایت و کارداران، مشارکت در امور، مسئولیت‌پذیری و آگاه به مسائل، حفظ خونسردی زمان وقوع حوادث و ارائه راهکار متناسب با موقعیت، اعتمادبه‌نفس بالا، حضور نسبتاً زیاد در جامعه، همفکری با همسر، پرسش‌گر و کنجکاو، پرتلاش و علاقه‌مند به یادگیری مهارت‌های جدید	باحوصله و صبور، خوش‌اخلاق و مهربان، آینده‌نگر و آگاه به مسائل، کمک به همسر و رسیدگی به امور فرزندان در خانه، حامی و پشتیبان، خوش‌صحبت و اجتماعی، علاقه‌مند به رفت‌وآمدهای خانوادگی و مهمان‌دوست

در مقایسه دو برنامه از منظر مقوله‌های پژوهش نتایج ذیل به دست آمد:

در مجموعه مهارت‌های زندگی برای کودکان مردان بیشتر با موها، محاسن و سبیل‌های آراسته بازنمایی شده‌اند که محاسن و سبیل نماد مردانگی است. فقط پدر بزرگ، که نماینده پر قدرت سنت است، در این مجموعه با پوشش کاملاً رسمی (کت و شلوار) در همه مکان‌ها و موقعیت‌ها حضور می‌یابد. پسران تنوع پوششی گسترده‌تر، با طیف رنگ‌های بیشتر، همچنین مدل و رنگ موهای متفاوت دارند و در مدرسه نیز به همین ترتیب ظاهر می‌شوند. آن‌ها، برخلاف دختران، لباس مجزایی که مختص به ساعات حضور در مدرسه باشد ندارند و با پوشش دلخواه خود در مدرسه حضور می‌یابند. دختران در مدرسه نیز لباس مشابه (فرم مدرسه) می‌پوشند که به همسانی هر چه بیشتر آن‌ها کمک می‌کند. زنان در سرتاسر این مجموعه در خانه با پوشش کاملاً ساده پیراهن بلند بر تن و روسری بر سر بازنمایی شده‌اند؛ به نحوی که نوع پوشش آن‌ها کاملاً ساده و بی‌توجه به عنصر زیبایی‌شناختی به نظر می‌آید و دختران نیز با پوششی درست شبیه به مادرانشان نمایش داده شده‌اند.

در مجموعه بچه‌های ساختمان گل‌ها مردان اغلب پوشش نیمه‌رسمی دارند. پیراهن‌های سفید بر تن می‌کنند و جلیقه‌های رنگی روی آن می‌پوشند. جلیقه مردان جوان معمولاً رنگ‌های روشن و مردان سالمند از میان طیف رنگ‌های تیره است. پسران نیز لباس‌های راحت‌تر و مناسب برای فعالیت و بازی می‌پوشند. نکته درخور توجه در این مجموعه توجه به عنصر زیبایی‌شناسی در چهره و آراستگی ظاهری زنان است که در بازنمایی کودکان دختر به‌وضوح مشاهده می‌شود. دختران لباس‌هایی با رنگ‌های روشن و متنوع بر تن دارند و با گل‌سرهای که در موهای‌شان زده‌اند زیباتر به نظر می‌آیند. تنوع در چهره‌پردازی کاراکترهای دختر با تنوع در رنگ و حالت مو، رنگ چشم و به‌طور کلی اجزای تشکیل‌دهنده صورت نشان‌دهنده توجه به عنصر زیبایی است. تفاوت در ظاهر و پوشش دختران به معنای عدم تمایل سازندگان برای همگونی و همسان‌سازی در این مجموعه است. در حالی که پسران از زیبایی کمتری نسبت به دختران برخوردارند؛ مثلاً تنها کاراکترهای مؤنث هستند که مژه دارند و پسران با بینی‌های بزرگ‌تر از دختران نقاشی شده‌اند. این تفاوت ظاهری بارزترین تفاوتی است که در نگاه اول بین نقش‌های مذکر و مؤنث این مجموعه دیده می‌شود.

مهارت‌های زندگی برای کودکان فقط دختران و زنان را در وضعیت جسمی ضعیف و رنجور ترسیم کرده است، بلکه به لحاظ ذهنی و بهره هوشی آن‌ها را در مرتبه‌ای پایین‌تر و نازل‌تر از پسران و مردان جای داده است. با بالاتر رفتن سن کودک مؤنث آگاهی، مهارت و توانایی حل مسئله در آن‌ها بالا نمی‌رود، بلکه عموماً دختران ضریب هوشی و توانایی‌های شخصی کمتری نسبت به پسران دارند. با اینکه دختران در این مجموعه از نظر سنی بزرگ‌تر از پسران‌اند، در موقعیت‌های مشابه این پسران هستند که هوشمندانه‌تر، دقیق‌تر و سنجیده‌تر عمل می‌کنند و

گاه با دادن تذکراتی به دختران آنها را متوجه اشتباهاتشان می‌کنند. این امر صرفاً در رابطه با کودکان این مجموعه صدق نمی‌کند، بلکه در رابطه با بزرگ‌ترها نیز ماجرا به همین ترتیب پیش می‌رود. مردان به‌طور کلی در این مجموعه داناتر، هوشیارتر و سنجیده‌تر از زنان عمل می‌کنند و از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری برخوردارند و زنان اغلب پذیرنده و اجراکننده تصمیماتی هستند که از سوی مردان ابلاغ می‌شود و خود به‌تنهایی توانایی و استقلال شخصی برای تصمیم‌گیری ندارند.

درحالی‌که در *ساختمان گل‌ها* کلیشه‌های رایج جنسیتی تا حدودی شکسته شده و نگاه سنتی به زن از میان رفته است. حسنا را می‌توان نماد دختری دانست که کلیشه‌های جنسیتی سنتی را شکسته و نشان می‌دهد می‌توان دختر بود و توانمندی‌هایی را که پسران بیشتر در انحصار خود می‌دانند کسب کرد و حتی در برخی موارد بهتر و هوشمندانه‌تر از آنها عمل کرد. انجام دادن فعالیت‌های مشترک میان دختران و پسران مانند شعرخواندن، درست‌کردن کاردستی، کتاب‌خواندن، مراقبت از گل‌ها و درختان، غذا دادن به حیوانات و انجام دادن بازی‌های کودکانه مشابه بیانگر عدم تفکیک برخی نقش‌های جنسیتی در این مجموعه است. پدران و مادران در این مجموعه به یک اندازه در تصمیم‌گیری‌ها سهیم‌اند؛ به نحوی که درباره مسائل خانه و خانواده با مشورت و همفکری به تصمیم نهایی می‌رسند.

در مجموعه *مهارت‌های زندگی دختران و زنان* عموماً در فضای داخل خانه بازنمایی شده‌اند. دختران در اتاق شخصی‌شان و در حال بازی با عروسک یا انجام دادن تکالیف مدرسه به تصویر کشیده شده‌اند و زنان در آشپزخانه یا مشغول انجام دادن کارهای خانه. در موارد اندکی که دختران را در فضای خارج از خانه می‌بینیم، حضور والدین یا بزرگ‌ترها را نیز در کنارشان ملاحظه می‌کنیم. پسران اغلب بازی‌های متنوع‌تری همچون بازی‌های رایانه‌ای، ماشین‌بازی، فوتبال و دوچرخه‌سواری را انجام می‌دهند و به صورت انفرادی یا با دوستانشان در فضای خارج از خانه تردد می‌کنند. بازی‌های کودکان نیز آنها را به نقش‌های جنسیتی‌شان پیوند می‌زند و در واقع تمرینی برای پذیرش این نقش‌ها در بزرگسالی به حساب می‌آید. دختران با عروسک‌بازی، خاله‌بازی و وقت‌گذرانی در فضای خانه نقش مادری و زن بودن را برای آینده تمرین می‌کنند. پسران نیز با انجام دادن بازی‌های به‌مراتب خشن‌تر و پرتحرک‌تر نسبت به دختران نقش مردانگی را که به آنها محول شده مشق می‌کنند.

در مجموعه *بچه‌های ساختمان گل‌ها*، به‌رغم تفکیک نقش‌های جنسیتی محدودی که دیده می‌شود، دختران نقش‌های جنسیتی عمیق‌تر و وابسته به زنانگی را بیشتر تمرین می‌کنند. درحالی‌که پسران کمتر در قالب نقش‌های مردانه فرو رفته‌اند. با وجود این، عهده‌دار شدن نقش‌های جنسیتی سبب نشده دختران در مرتبه‌ای پایین‌تر به لحاظ استعداد و توانمندی بازنمایی شوند. بلکه دختران علاوه بر آموزش و تمرین نقش‌های شبه‌مادرانه از کسب

مهارت‌های فردی و اجتماعی نیز غافل نبوده و همپای تعلیم نقش‌های زنانه هویت فردی خود را ساخته‌اند. بازنمایی دختران و پسران در این مجموعه را می‌توان خوب‌نمایی نامید. هر دو جنس ویژگی‌های مثبت و مساعد بسیاری دارند که سبب می‌شود در اغلب اوقات صحیح و آینده‌نگرانه عمل کنند. پسران نه به لحاظ جسمی قوی‌تر از دختران بازنمایی شده‌اند و نه به لحاظ بهره‌مندی از هوش و استعداد، بلکه تشابه و همسانی بسیاری در برخورداری از این موهبت در آن‌ها دیده می‌شود.

آنچه انیمیشن مهارت‌های زندگی برای کودکان بازنمایی می‌کند، کلیشه‌ها و الگوهای سنتی از هویت جنسیتی است. الگوها و کلیشه‌سازی‌های جنسیتی مبتنی بر دیدگاه‌های سنتی، فاقد هم‌خوانی لازم با تغییراتی است که در سال‌های اخیر در وضعیت دختران در جامعه پدید آمده است. پیشرفت‌های اجتماعی و تغییرات جمعیت‌شناسی نه‌تنها با منحصر نمودن هویت دختران در چارچوب نقش‌های جنسیتی داخل خانه سازگاری چندانی ندارد، بلکه زمینه‌های مثبت را برای افزایش حضور دختران و مشارکت آنان در پذیرش نقش‌های اجتماعی خارج از خانه نیز فراهم آورده است. به تعبیر بارلت^۱، مقایسه تصویر ذهنی و خودپنداشت دختران از خودشان با تصویری که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند، به‌شدت مبانی هویتی آن‌ها را متزلزل می‌کند. همین امر سبب می‌شود دختران در معرض چالش‌های جدید هویتی قرار گیرند و درک و تصور ناقص و متعارضی از خود و وظایفشان به وجود آید [۱۱].

در سوی دیگر، انیمیشن بچه‌های ساختمان گل‌ها رویکردی متفاوت‌تر و مساوات‌طلبانه‌تری به نقش‌های جنسیتی دارد و در زمره انیمیشن‌هایی قرار می‌گیرد که دیدگاه‌های گفتمان مدرن را در متن روایت جنسیتی خود جاری می‌کند و سعی در کم‌رنگ کردن و در پاره‌ای از موارد نادیده‌گرفتن کلیشه‌های سنتی نسبت به نقش‌های جنسیتی در میان کودکان دارد.

تضادی که میان پیشامدرن و مدرنیته نمایان است به تعبیر گیدنز حاصل بازاندیشی است. بازاندیشی امروزه معرف هرگونه کنش انسانی است و به این واقعیت اشاره دارد که ما مجبوریم پیوسته و بی‌وقفه درباره اوضاع و شرایط در حال تغییر زندگی‌مان تدبر و تأمل کنیم و راه‌های قبلی را واری و در صورت نیاز آن‌ها را حذف و شیوه‌های جدیدی را به‌جای آن برگزینیم [۸]. کلیشه‌های جنسیتی سنتی برای دختران و پسران بود تا به نوعی آن‌ها را با نقش‌ها و هویت‌های جنسیتی مطلوب خود همسو کند؛ درحالی‌که گفتمان مدرن به واسطه بازاندیشی در نقش‌های جنسیتی رویکرد متفاوت‌تری را در دستور کار خود قرار داده است. در این گفتمان، زنان آگاه، فعال و هم‌تراز با مردان در نظر گرفته شده‌اند و نقشی فراتر از زن خانه‌دار، مادر و مطیع همسرانشان دارند. این امر در رابطه با دختران در تعامل با جهان پیرامونشان نیز صدق می‌کند.

منابع

- [۱] دانسی، مارسل (۱۳۸۸). *نشانه‌شناسی رسانه‌ها*، ترجمه گودرز میرانی و بهزاد دوران، چ ۲، تهران: چاپار.
- [۲] سجودی، فرزانه (۱۳۸۲). *نشانه‌شناسی کاربردی*، تهران: قصه.
- [۳] شریفی ساعی، محمدحسین (۱۳۹۱). «بازنمایی روابط دختر و پسر در سریال‌های تلویزیونی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- [۴] ضمیران، محمد (۱۳۸۲). *درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر*، تهران: قصه.
- [۵] فیسک، جان (۱۳۸۱). *فرهنگ و ایدئولوژی*، ترجمه مزگان برومند، مجله/ارغنون، ج ۲۰.
- [۶] کاپلان، سادوک (۱۳۸۰). *خلاصه روان‌پزشکی، علوم رفتاری روان‌پزشکی بالینی*، ترجمه رفیعی و رضایی، تهران، سالمی.
- [۷] گولومبوک، سوزان؛ فیوش، رابین (۱۳۹۳). *رشد جنسیت*، ترجمه مهرانز شهرآرای، تهران: ققنوس، چ ۴.
- [۸] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
- [۹] وولن، پیتر (۱۳۹۲). *نشانه‌ها و معنا در سینما*، ترجمه عبدالله تربیت و بهمن طاهری، چ ۶، تهران: سروش.
- [۱۰] هال، استیوئرت (۱۳۹۱). *معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نی.
- [11] Barlett, P.C; Vowels, C.L. & Saucier, D. (2008). Meta-Analyses of the Effects of Media Images on Men's Body-Image Concerns. *Journal of Social and Clinical Psychology*, Vol. 27, No. 3, PP 279-310.
- [12] Beasley, C. (2005) *Gender and Sexuality: Critical Theories, Critical Thinkers*. London: SAGE.
- [13] Brod, H. (2002) 'Studying Masculinity Studies as Superordinate Studies', in J. K. Gardiner.
- [14] Connell, R. W. (1995) *Masculinities*. Oxford: Polity Press
- [15] Fisk, John (2000) *the codes of television, media studies: A Reader* New York: New York press.
- [16] Johansen, J.& Larsen, S. (2002). *Signs in Use: An Introduction to Semiotics* (Translated by John Irons), New York, Routledge.
- [17] Atkin, Albert. (2006). "Peirce's Theory of Signs", *Stanford Encyclopedia of Philosophy*.
- [18] Kaplan, G. and Rogers, L.J. (2003) *Gene Worship: Moving Beyond the Nature/Nurture Debate over Genes, Brain, and Gender*, Other Press, New York.
- [19] Lindlof, Thomas R, & Tylor Bryan C. (2002). *Qualitative Communication Research Methods*, London: Sage Publications.
- [20] Martin, B. & Ringham, F. (2000). *Dictionary of Semiotics*, New York: Cassell.
- [21] Taylor, F (2003). content analysis and gender stereotypes in children's book, *teaching sociology*, vol. 31, PP 300-311.
- [24] www.artsy.net.